



مؤسسه فرهنگ قرآن و عترت اسوه تهران

عید غدیر خم،
گرامی باد

عید قربان،
عید نور و بندگی
گرامی باد



خرم شهر را خدا آزاد کرد

در این شماره می خوانیم:

- غلبه بر دشمن با دعای امام زمان (عجل الله تعالی فرجه)
- جبهه‌ای که در آمریکا گشوده شد
- درس اتفاق آقا معلم
- می گویند ایران جنگ طلب است!
- به نظرتون بدون تنبیه هم میشه بچه رو تربیت کرد؟
- احتمالاً این مکالمه برای همه تون آشناست...
- ارتباط بین عید قربان و عید غدیر
- ناگهان، خروج از مدار انحطاط: تذکر تاریخی به چرخش انقلابی
- عرفه، روز عرفان و عاشقی

وقایع مهم ماه ذی الحجه

- ۱ ذی الحجه: سالروز ازدواج امام علی (علیه السلام) و حضرت فاطمه (سلام الله علیها) (۲ ه.ق)
- ۴ ذی الحجه: وفات فاطمه بنت اسد (۵۴ ه.ق)
- ۷ ذی الحجه: شهادت امام باقر (علیه السلام) (۱۱۴ ه.ق)
- ۹ ذی الحجه: روز عرفه
- ۱۰ ذی الحجه: عید قربان
- ۱۵ ذی الحجه: ولادت امام هادی (علیه السلام) (۲۱۲ ه.ق)
- ۱۸ ذی الحجه: عید غدیر (۱۰ ه.ق)
- ۲۰ ذی الحجه: ولادت امام موسی کاظم (علیه السلام) (۱۲۸ ه.ق)
- ۲۴ ذی الحجه: روز مباهله پیامبر با مسیحیان نجران (۹ ه.ق)
- ۳۰ اردیبهشت: شهادت آیت الله رئیسی و همراهان در سانحه سقوط بالگرد (۱۴۰۳ ه.ش) / روز شهدای خدمت
- ۳ خرداد: روز فتح خرمشهر در عملیات بیت المقدس، روز مقاومت، ایثار و پایداری
- ۱۴ خرداد: رحلت امام خمینی (رحمت الله علیه)
- ۱۵ خرداد: قیام خونین ۱۵ خرداد



غلبه بر دشمن با دعای

امام زمان (عجل الله تعالی فرجه)

خطاب به سرورمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) عرضه می‌دارم که ما با ایمان به خدای متعال و توسل به ائمه معصومین (صلوات الله وسلامه علیهم) و با تأسی به رهبر شهید خود در زیر پرچم جناب‌تان و در مقابل جبهه کفر و استکبار ایستاده‌ایم و در این مسیر شهدای گرانقدری از طبقات مختلف تقدیم راه عزت و استقلال کشور و اعتلای اسلام و انقلاب اسلامی کرده‌ایم و خساراتی دیگر هم دیده‌ایم. اینک با تمام وجود به دعای خاص حضرت‌تان برای غلبه قاطع بر دشمن چه در صحنه مذاکرات و چه در میدان نبرد دل بسته‌ایم و امید داریم هر چه زودتر، هم ما و هم دشمنان‌مان اثر معجزه‌آسای آن را مشاهده کنیم.

بخشی از پیام امام سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای / ۲۰ فروردین ۱۴۰۵

جبهه‌ای که در آمریکا گشوده شد

مسعود اکبری

روزنامه نگار و فعال رسانه‌ای

انرژی، وارد فصل تابستان (اوج مصرف سوخت) می‌شود. بلومبرگ پیش‌بینی می‌کند با کاهش ذخایر جهانی به ۶۸ میلیارد بشکه، نفت ۱۵۰ دلاری در پاییز امسال اجتناب‌ناپذیر باشد.

برای اولین بار در سه سال گذشته، نرخ رشد دستمزدها از تورم عقب مانده است. این یعنی حتی اگر یک کارگر آمریکایی اضافه‌کار هم بایستد، باز هم قدرت خریدش نسبت به سال گذشته کمتر است. تورم ۳۸ درصدی در کنار رشد نجومی قیمت مواد غذایی و سوخت، طبقه متوسط را به سمت فقر سوق داده است.

در این میان پاسخ ترامپ به خبرنگاران مبنی بر اینکه «زره‌ای به وضعیت مالی آمریکایی‌ها فکر نمی‌کنم»، تیر خلاصی به افکار عمومی در آمریکا بود. این اظهار نظر نشان می‌دهد که دولت او در یک جزم‌اندیشی سیاسی گرفتار شده است. او حاضر است اقتصاد آمریکا را قربانی توهم «خلع سلاح ایران» کند، در حالی که گزارش‌ها نشان می‌دهند ایران تحت فشار این جنگ، بیش از پیش به سمت خودکفایی دفاعی و تثبیت توان بازدارندگی خود حرکت کرده است.

در مجموع جنگ رمضان ثابت کرد که قدرت نظامی صرف، در برابر قدرت ژئوپلیتیک و اهرم‌های اقتصادی هوشمند ناتوان است. ایران توانست بدون شلیک مستقیم به خاک آمریکا، اقتصاد این کشور را از درون دچار بحران کند. پس‌لرزه‌های این جنگ (از بنزین ۴ دلاری تا گوشت ۷ دلاری) به مردم آمریکا آموخت که امنیت آن‌ها به ثبات در غرب آسیا گره خورده است. اکنون ترامپ با ارتشی خسته، اقتصادی متورم و ذخایر خالی، در برابر ایرانی ایستاده که از این نبرد به عنوان یک فرصت برای تثبیت قدرت خود در نظم نوین جهانی استفاده کرده است. تابستان سمی آمریکا در راه است و ممکن است این بار، صندوق‌های رای در واشنگتن، پاسخ قمار ترامپ در هرمز را بدهند.

جنگ رمضان که با هدف تضعیف توان نظامی ایران و تثبیت هژمونی آمریکا و رژیم صهیونیستی آغاز شد، اکنون به نقطه‌ای رسیده است که بسیاری از استراتژیست‌های کاخ سفید از آن به عنوان «خطای محاسباتی قرن» یاد می‌کنند. در حالی که بمب‌ها در غرب آسیا فرود می‌آیند، موج انفجار آن‌ها در قالب تورم، کمبود کالا و خشم عمومی، ارکان جامعه آمریکا را لرزاند. جان بولتون، کسی که همواره نماد سیاست‌های تهاجم علیه ایران بوده، اکنون با لحنی هشدارآمیز از بن‌بستی سخن می‌گوید که ترامپ در آن گرفتار شده است. بولتون معتقد است ترامپ در یک «تله راهبردی» افتاده است.

نیویورک تایمز در گزارش تحلیلی خود پرده از تغییر ماهیت تورم در آمریکا برداشته است. اگر در سال‌های ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵، جنگ تعرفه‌ای با چین عامل اصلی گرانی بود، اکنون این «بهای خونین انرژی» است که اقتصاد را به زانو درآورده است.

در همین رابطه، جهش شاخص قیمت مصرف‌کننده (CPI) به بالاترین سطح دو سال اخیر رسیده و این نشان‌دهنده شکست سیاست‌های پولی فدرال رزرو است. از سوی دیگر قیمت بنزین که در ابتدای جنگ

زیر ۳ دلار بود، اکنون به ۴.۵۲ دلار در گالن رسیده است. افزایش ۶۵ درصدی سوخت به معنای فلج شدن سیستم حمل‌ونقل کالا در کشوری است که ۹۰ درصد توزیع داخلی آن وابسته به جاده است.

مصرف‌کنندگان آمریکایی با پرداخت ۳۷ میلیارد دلار اضافه برای سوخت، در واقع هزینه گلوله‌هایی را می‌دهند که امنیت خودشان را به خطر انداخته است. نکته قابل تأمل اینجاست که اختلاف میان برآورد ۲۹ میلیارد دلاری پنتاگون و رقم ۱ تریلیون دلاری کارشناسان سنی‌ان، فراتر از یک اشتباه محاسباتی ساده است. این رقم شاید عجیب‌ترین پیامد جنگ رمضان، کوچک شدن سفره گندم آمریکا باشد. گزارش‌های رسمی نشان‌دهنده یک بحران تاریخی است.

براساس این گزارش‌ها، آمریکا با کمترین میزان تولید در ۵۴ سال اخیر مواجه است. دلیل آن نه خشکسالی، بلکه قیمت نجومی کودهای شیمیایی و گاز طبیعی (به عنوان نهاده تولید کود) است که تحت تأثیر قیمت جهانی انرژی قرار گرفته است.

و اما ترامپ برای اینکه جلوی خشم عمومی را بگیرد، دست به اقدامی خطرناک زده است و آن استفاده از ذخایر نفت اضطراری است. ترامپ در همین رابطه به تخلیه ۵۳ میلیون بشکه‌ای اقدام کرده است. این حجم از نفت که برای روزهای بحران ملی و بلایای طبیعی ذخیره شده بود، اکنون صرف «تنفس مصنوعی» به قیمت بنزین شده است.

در حال حاضر موجودی بنزین آمریکا به ۲۲۰ میلیون بشکه رسیده که ۴ درصد زیر میانگین ۵ ساله است. این یعنی آمریکا با کمترین میزان تاب‌آوری



دلت تنگه؟ حرف بزن با خدا!

این صفحه مخصوص نوجوانانست.

این شماره: درس انفاق آقا معلم

روایتی زنانه از شاگردی در کلاس رهبر شهید انقلاب

روزهای آخر ماه رمضان بود و چوب خطم داشت پر می‌شد. چند روز بیشتر از فرصت تبلیغم توی روستا باقی نمانده بود و من هنوز نتوانسته بودم راهی پیدا کنم. هر بار چهره‌ی زن و بچه‌هایی که با ذوق و شوق می‌دویدند طرف کیسه‌ی کتاب‌ها جلوی چشمم می‌آمد، بیشتر کلافه می‌شدم که چرا کاری از دستم برنمی‌آید. کلی چرتکه انداخته بودم اما حساب و کتاب‌هایم جور در نمی‌آمد. با هفت، هشت جلد کتاب هم که نمی‌شد کتابخانه راه انداخت. دلم با رو زدن به دهیار و آقای فلانی و خانم بهمانی هم همراه نبود. می‌خواستم هر چه هست بی‌منت مال خود مردم باشد.

یک شب همین‌طور که داشتم کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» را می‌خواندم، یک‌دفعه چشمم روی چند عبارتش متوقف شد. انگار «آقا» درست روبه‌رویم نشسته بود و داشت گره‌های ذهنم را یکی‌یکی باز می‌کرد: «انفاق آن است که خلائی را پر کنی...» کلمات جان گرفتند و دویدند جلوتر: «تا حالا چقدر از حیثیت، از آبرو، از مال و از دارایی‌ات انفاق کرده‌ای؟» گوشم به صحبت‌های آقا بود و چشمم می‌دوید سمت قفسه‌های کتابخانه‌ام؛ پی کتاب‌هایی که بند دلم به آن‌ها وصل بود و از جانم عزیزتر بودند. اما این بار آقا مثل یک معلم ایستاده بود بالای سرم و داشت آدرس اصلی را نشانم می‌داد: نه آن آدرسی که در خانه‌ی این و آن می‌جستم.

صبح اول وقت معطل نکردم و دلم را زدم به دریا. کارتن آوردم و پنجاه جلد کتاب کودک، نوجوان و بزرگسال سوا کردم. ماشین گرفتم و یک‌راست رفتم سمت روستا. مسجد را مرتب کردم و آن قفسه‌ی بی‌روح جان گرفت و شد یک کتابخانه‌ی نقلی.

حالا آن روستا کتابخانه‌ای دارد که من درس «آقا معلم» را با خط خودم روی صفحه اول تمام کتاب‌هایش نوشته‌ام: «انفاق آن است که خلائی را پر کنی...»

مریم برزویی

دلنوشته‌های دختران امام شهید



می گویند ایران جنگ طلب است!

احمد رضا هدایتی
کارشناس ارشد مدیریت



با همه شرارت‌ها و آتش افروزی‌هایی که نظام سلطه در طول تاریخ علیه کشورهای مختلف به‌خصوص علیه کشورهای اسلامی و علیه ایران عزیز داشته، مشخص نیست مدعیان این مطلب با کدام استدلالی این حرف را می‌زنند، از همین رو در یادداشت ذیل تلاش شده تا برخی از مصادیق صلح دوستی ایران و متقابلاً جنگ‌طلبی سلطه‌گران به اجمال بیان شود.

ایران حداقل طی ۳۰۰ سال گذشته آغازگر هیچ جنگی نبوده، در حالی که ردپای مستقیم و غیرمستقیم غربی‌ها و به‌خصوص آمریکایی‌ها تقریباً در تمام جنگ‌های ۳ قرن اخیر و قبل از آن به شکل واضح دیده می‌شود.

هنوز آثار پادگان‌ها و قلعه‌های متعلق به انگلیسی‌ها، آلمانی‌ها و حتی پرتغالی‌ها و هلندی‌ها که در گذشته به ایران عزیز لشکرکشی کرده بودند، در نقاط مختلف کشور به طور کامل از بین نرفته است.

هنوز زخم‌های ناشی از تبعات دخالت‌ها و جنایات انگلیس استعمارگر بر پیکر ایران از جمله تغییر مرزها و تجزیه ایران و یا قحطی مصنوعی در کشور که منجر به مرگ حدود ۹ میلیون نفر از هموطن در جنگ جهانی اول شد، التیام نیافته است.

هنوز مردم کودتای مشترک آمریکا و انگلیس در مواجهه با ملی شدن صنعت نفت ایران در مرداد ۱۳۳۲ را فراموش نکرده‌اند.

هنوز یادشان نرفته که سران متفقین پس از پیروزی در جنگ جهانی دوم با چه تکبر و نخوتی در ایران جلسه برگزار کردند، بدون این که پیشیزی برای شاه مملکت ارزش قائل شوند و حتی به او اطلاع بدهند.

هنوز مردم دخالت‌های آمریکا در امور داخلی کشور و رفتارهای تحقیرآمیز آنها با شهروندان ایرانی را از یاد نبرده‌اند و یادشان نرفته که آمریکای وحشی با حکومتی نوظهور (عمر ۲۴۰ ساله) با وضع قانون کاپیتولاسیون و یا

پرداخت حق توحش به نیروهایش در ایران که تاریخ تمدنی بیش از ۷ هزار ساله دارد، چه رفتارهای با مردم و کشور ایران داشته است.

مردم یادشان هست که وقتی انقلاب اسلامی علیه رژیم پهلوی شکل گرفت، چطور آمریکا بلافاصله ژنرال هایزر را برای کمک به سولیوان که سفیرشان در ایران بود فرستادند تا با ارائه طرحهای مختلف کشتار عمومی، مانع از پیروزی و تثبیت انقلاب شوند.

هنوز اقدام آنها برای کودتای نقاب که قرار بود با مرکزیت پادگان شهید نوژه همدان اجرا و به زعم خودشان حکومت را سرنگون کند و مشارکت آنها در ترورها و آشوبها، اغتشاشات و بمبگذاریهای اوایل انقلاب را به خاطر دارند.

مردم یادشان نرفته که غربیها و بهویژه آمریکاییها چگونه دولت وقت عراق را برای جنگ با ایران تحریک کردند و در جریان جنگ تحمیلی چطور با تمام توان و در زمینههای مختلف از صدام حمایت می کردند.

مردم فراموش نخواهند کرد که چگونه از همان ابتدای انقلاب با تحریم و تهدید ایران و نیز حمایت از ضدانقلاب برای بمبگذاری و ترور و سپس میزبانی از این جنایتکاران در کشورهايشان و دهها توطئه دیگر به مقابله با انقلاب اسلامی برخاستند و در ادامه این جنایات را به ظالمانه ترین شکل ممکن، شدت بخشیدند.

مردم حمله آمریکا به هواپیمای مسافربری ایران و اهدای مدال به آمران و مجریان این جنایت هولناک و یا حمله به ناوچه و تأسیسات نفتی ایران در گذشته را هرگز به فراموشی نخواهند سپرد.

حالا برای مردم ایران کاملاً آشکار شده که طرح ایجاد و استفاده از گروههای تروریستی مانند داعش توسط آمریکا و اروپا اگرچه در نهایت با شکست مواجه شد، اما در واقع هدف اصلی دشمن، ایران اسلامی بوده است.

مردم هرگز سکوت مرگبار و حمایت مستقیم و غیرمستقیم آنها از صهیونیستها در ترور مسئولین، فرماندهان، دانشمندان،

نخبگان و شهروندان ایرانی و همچنین مشارکت آنها با رژیم صهیونیستی در جنایات دو جنگ اخیر را نیز هرگز از یاد نخواهند برد.

حالا دیگر مردم از وجود انبوه مراکز جاسوسی و پایگاههای نظامی یانکیها در اطراف ایران و اقدامات آنها علیه کشورمان باخبرند و آنها را نشانه دشمنی آشکار باخود می دانند، چرا که ایران هیچگاه چنین رفتاری با آنها نداشته است.

مردم حالا به خوبی می دانند که کینه صهیونیستها در مورد ایران و اسلام عزیز به قدری عمیق است که از بدو پیدایش این رژیم جعلی و پس از گذشت چندین قرن از کشتار مردم ایران در زمان هخامنشیان (در زمان خشایارشا بین سالهای ۴۶۵ تا ۴۸۵ قبل از میلاد) که با توطئه یهودیان رخ داد، هر سال سالروز این واقعه تلخ را با افتخار و با تمام توان جشن (جشن پوریم) می گیرند.

خیلی وقت است که مردم از خودشان می پرسند مگر حرف و خواست ایران چیست که علی رغم هزینه های سنگین تولید برنامه و ایجاد شبکه های تلویزیونی ماهواره ای و با این که غربی ها بعضاً در کشورهای خودشان برای استفاده از برنامه های تلویزیون از شهروندانشان حق اشتراک می گیرند، بیش از ۱۲۶ شبکه تلویزیونی ماهواره ای فارسی زبان رایگان علیه ایران ایجاد کرده اند و چرا این کار فقط در مورد ایران اسلامی صورت گرفته است.

البته این موارد گوشه ای از انبوه ظلم ها و جنایاتی است که نظام سلطه علیه این ملت و مملکت مرتکب شده است و این در حالی است که در طول تاریخ، بزرگترین واکنش ما علیه دشمنان سرزمینمان، تنها شعار مرگ بر ظالمین بوده است.

با این توصیف آیا تا به حال از خودمان پرسیده ایم که علت این همه دشمنی چیست؟ آیا استقلال طلبی و ظلم ستیزی ایران اسلامی سبب این دشمنی ها نیست؟ آیا منابع غنی و ظرفیت های متعدد ایران برای برقراری عدالت در جهان، باطل را به جنگ با حق نکشاده است؟

با کودکت زندگی کن

این شماره: به نظرتون بدون تنبیه هم میشه بچه رو تربیت کرد؟

مثال: قانون گوش‌ی رعایت نشده. بگو «امروز گوش‌ی ندارم، فردا دوباره امتحان می‌کنیم»
تحلیل: نه تهدید... نه دعوا... فقط اجرا
تمرین: کمتر تهدید کن، بیشتر اجرا کن

روش ۴: گفت‌وگوی تنظیم‌کننده؛ کمک کن خودش بفهمه
مثال: «به نظرت چی شد این اتفاق افتاد؟» «دفعه بعد چی کار می‌تونی بکنی؟»
تحلیل: اینجا مغزش فعال میشه، نه فقط ترس
تمرین: به جای جواب دادن، سؤال بپرس

روش ۵: انتخاب دادن؛ بچه وقتی انتخاب داره، کمتر لجبازی می‌کنه
مثال: «الان جمع می‌کنی یا ۵ دقیقه دیگه؟»
تحلیل: حس کنترل می‌گیره؛ بدون اینکه قانون بشکنه
تمرین: همیشه ۲ انتخاب محدود بده

یه حقیقت مهم: تنبیه سریع جواب میده، اما سطحی است. این روش‌ها دیرتر جواب میدن، اما عمیق

آخ‌رشی اینفو یادت بمونه:
هدف تربیت این نیست که بچه فقط حرف گوش کن باشه...
هدف اینه که بفهمه و خودش درست انتخاب کنه

تیم تحریریه اسوه

این باور رو خیلیمون داریم
«اگر تنبیه نکنم، بچه لوس میشه...»
اما یه سوال مهم: آیا هر بچه‌ای که تنبیه نشده، لوسه؟
یا هر بچه‌ای که زیاد تنبیه شده، واقعاً درست تربیت شده؟
واقعیت اینه:

مشکل «نبود تنبیه» نیست...
مشکل «نداشتن روش جایگزین»

روش ۱: پیامد طبیعی؛ یعنی بذاری نتیجه کارشو خودش ببینه

مثال: لباس نمی‌پوشه... می‌گی: «باشه، انتخاب خودته».
چند دقیقه بعد سردش میشه
تحلیل: بدون دعوا، بدون تنبیه؛ یه تجربه واقعی یاد گرفت
تمرین: تا جایی که خطر نداره، بذار تجربه کنه

روش ۲: پیامد منطقی؛ پیامدی که مستقیم به رفتار مربوطه
مثال: اسباب‌بازی رو پرت می‌کنه. بگو «اگر پرتش کنی، فعلاً جمعش می‌کنم»

تحلیل: اینجا بچه می‌فهمه: رفتار نتیجه
تمرین: برای هر رفتار، یه پیامد «مرتبط» پیدا کن

روش ۳: محدودسازی هوشمند؛ نه از روی عصبانیت، از روی قانون





سخنی کوتاه با خانم خونه

این شماره: احتمالاً این مکالمه برای همه تون آشناست...

الآن چرا قهری؟!

اگه برات مهم بودم خودت می دونستی!

جایی؟! از کجا بدونم خب بگو دیگه!!

به نظر شما اینجا حق با کدوم یک از طرفین؟!

حق با خانومه که انتظار داره همسرش بدونه از چی ناراحته؟!

یا مردی که میگه من که ذهن خوانی بلد نیستم!

اولین اشتباه: سرزنش به جای بیان احساس

به جای «از این موضوع ناراحت شدم» می گیم «تو اصلاً منو درک نمی کنی» یا «تو همیشه بی توجهی»...

این ها حمله ست و طرف مقابل رو می بره تو حالت دفاع...

راهکار: به جای «تو»، از «من» استفاده کن؛ «وقتی این اتفاق می افته، من ناراحت میشم»

اشتباه دوم: انتظار داریم خودش بفهمه

ناراحت می شیم، چیزی نمی گیم و انتظار داریم حدس بزنه...

مثلاً منتظری زنگ بزنه ولی نمی گی، یا ناراحتی اما فقط سکوت می کنی...

هیچ کس ذهن خوان نیست...

راهکار: واضح و محترمانه بگو چی اذیتت کرده، نه با سکوت و قهر

اشتباه سوم: تلاش برای برنده شدن در دعوا

تمرکز میره روی اثبات حقانیت؛ گذشته رو می کشیم وسط یا لحن تند میشه...

نتیجه؟ بحث تموم میشه، اما فاصله بیشتر...

راهکار: هدف رو بذار روی حل مسئله، نه برنده شدن؛ گاهی کوتاه اومدن یعنی حفظ رابطه

این اشتباه ها کوچیک به نظر میان، اما وقتی تکرار میشن، رابطه رو از درون سرد می کنن...

اگر حس می کنی رابطه ت مثل قبل گرم نیست، ببین کدوم یکی از این ها توی رابطه ت هست.

زندگی به سبک آیات

این شماره: ارتباط بین عید قربان و عید غدیر

می‌شود روز عید قربان به حساب آورد، تا روز عید غدیر که روز امامت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه‌الاف التَّحِیَّه و التَّنَاء) است. این هم به دنبال امتحانات سخت بود. امیرالمؤمنین طول حیات مبارکش را با امتحان - امتحانهایی که از آن سرفراز بیرون آمده است - گذرانده؛ از سیزده سالگی یا یازده سالگی و قبول نبوت تا لیلۃ‌المبیت، یک جوان فداکار و فانی در پیغمبر که آماده است جان خود را فدای پیغمبر بکند - عملاً این را در ماجرای هجرت پیغمبر به اثبات میرساند - و بعد هم آن امتحانهای بزرگ در بدر و احد و حنین و خیبر و بقیه‌ی جاها. این منصب والا، دنبال‌های این امتحانهاست؛ لذا دلها متوجه شده است به اینکه بین عید قربان و عید غدیر یک ارتباط است. بعضی هم این را «دهه‌ی امامت» نامیده‌اند و نام مناسبی است.

شهادت امام باقر (علیه‌السلام) که یک شهادت دارای پیام بود؛ لذا خود امام باقر وصیت کرد که بعد از او تا ده سال در منا به مناسبت این رحلت، یادبود برپا شود. در میان ائمه‌ی ما این بیسابقه است، بی‌نظیر است. یاد امام باقر، یعنی یاد سر برآوردن حیات دوباره‌ی جریان اصیل اسلامی در مقابله‌ی با تحریفها و مسخ‌هایی که انجام گرفته بود. خاطره‌ی دیگر، خاطره‌ی روز عرفه و روز عید قربان است؛ که از روز عید قربان تا روز عید غدیر، در واقع یک مقطعی است متصل و مرتبط با مسئله‌ی امامت. خدای متعال در قرآن یاد می‌فرماید: «و اذ ابتلی ابراهیم ربّه بکلمات فاتّمهنّ قال انّی جاعلک للنّاس اماما». (بقره: ۱۲۴) «و چون ابراهیم را پروردگار با کلماتی بیازمود و وی آن همه را به انجام رسانید، [خدا به او] فرمود: من تو را پیشوای مردم قرار دادم ...»

ابراهیم از طرف پروردگار منصوب شد به امامت. چرا؟ چون از عهده‌ی امتحانهای دشوار برآمد. مبدأ این را

بیانات امام شهید (رحمت‌الله‌علیه)

در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور / ۱۳۸۸/۹/۴



ناگهان، خروج از مدار انحطاط:

تذکر تاریخی به چرخش انقلابی

مهدی جمشیدی

نویسنده و محقق فرهنگی

۱. بسیار باید مراقب بود که این دهه تاریخی، به صورت کامل، رنگوبوی «انقلاب اسلامی» را داشته باشد و چنین نباشد که حوادث ناخوشایند و جوسازی‌های متجددان، ما را در مقابل تکریم انقلاب، دچار سستی و ضعف کند. شاید برخی احساس کنند که در این برهه، امکان دفاع از انقلاب و آن چه که در بهمن پنجاه و هفت رخ داد وجود ندارد و سخن گفتن از انقلاب، جامعه را عصبانی می‌کند. جامعه از «دیوان سالاری پسالانقلاب»، ناراضی است نه از خود «انقلاب». انقلاب، امر اجماعی است و در حقانیت و فضیلت آن نباید تردید داشت. این فضای منفی و تحریفی که عالم تجدّد نسبت به انقلاب و آرمان‌هایش ایجاد کرده، نباید برای ما رعب‌آور و دلهره‌ساز باشد و در آرایش رسانه‌ای ما، انفعال ایجاد کند. باید همچنان با افتخار و قاطعانه، عظمت‌های انقلاب اسلامی را بیان کرد و دچار «دفاع شرم‌سارانه» و «تذکر تاریخی مرعوبانه» نشد. ارجاعات ما به انقلاب، نباید حداقلی و رقیق باشند و بخواهیم با رندی، از کنار بهمن پنجاه و هفت عبور کنیم. باید تا ابد، آشکار و صریح، از انقلاب دفاع کرد و به آن بالید.

۲. برخلاف تحلیل‌های مرعوبانه، باید به انقلاب و غایتش «رجاع» داد و اکنون را با آن «مقایسه» کرد و بیراهه‌ها و خطاها را شناخت. انقلاب، همچنان متن اصلی و «مرجع قضاوت» در جامعه ماست؛ امر مسلط و مقوم است؛ جان‌مایه و قلّه است؛ گرانگاه و تکیه‌گاه است؛ مبدأ تاریخ جدید و متمایز ماست؛ هویت و حیثیت نویدید ماست. برای به‌چالش کشیدن سیاست‌های لیبرالی در اقتصاد و فرهنگ، باید به خود انقلاب و منطق درونی‌اش رجاع داد. مسأله ما، «بازگشت به اصالت‌های انقلاب اسلامی» است. روشن است که گذر زمانه و گرفتاری در روزمرگی‌ها و ملاحظه‌ها و محافظه‌کاری و موقعیت‌ها، غبار بر روی اصالت‌های انقلابی می‌نشانند. بر این اساس، باید به صورت دوره‌ای و برهه‌ای، انقلاب و خط اصیل و اولیّه‌اش را «بازخوانی تطبیقی» کرد. مقایسه اکنون با گذشته انقلابی، نقطه قوت ماست، نه چشم‌اسفندیار ما. نقصان‌ها و دشواری‌ها، جملگی حاصل سیاست‌های خطا یا کارگزاران ناتوان است، نه ماهیت انقلاب اسلامی. آن نسخه قدسی و ملکوتی، صواب و صلاح بوده، ولی روشن است که در برخی جهات، تنازل از آن صورت گرفته است. باید این

تخطی‌ها و فروکاستن‌ها را شناخت و علاج کرد.

۳. البته نیروهای تجدّی، همواره در تلاش بوده‌اند که انقلاب را چونان شر ضروری یا حتی شر غیر ضروری بازنمایی کنند. اینان، انقلاب را بر کرسی متهم می‌نشانند و از اساس، انقلاب را نامطلوب می‌انگارند؛ به گونه‌ای درباره انقلاب سخن می‌گویند که گویا واقعه تاریخی بوده که به هر حال، رخ داده است. این در حالی است که انقلاب، یک «چرخش تاریخی» بود که جامعه ایران را از دوره انحطاطی سقوطی رها کرد و وفق تکاملی و اعتلایی پیش روی آن نهاد. جامعه ایران منهای انقلاب، به قطع، در مدار زوال و حقارت و فروبستگی قرار داشت و رفته رفته، همه هویت عمیق تاریخی و معنوی‌اش را می‌باخت و استحاله می‌شد. این مسیر اضمحلالی، فقط به واسطه وقوع انقلاب اسلامی، معکوس گردید. انقلاب، اصالت‌های اسلامی جامعه ایران و شخصیت و اعتبارش را در برابر دیگری تجدّی، بازیابی و بازسازی کرد. جامعه ایران، بی‌رمق و ناتوان و علیل شده بود و بضاعت‌های درونی‌اش، رو به فروپاشی بودند، اما نیروهای انقلابی توانستند در طول یک دهه، خودآگاهی دینی در جامعه بیافرینند و امید و نشاط انقلابی در توده‌های عادت کرده به روند زوالی ایجاد کنند. این چنین بود که در برابر مسیر انحطاطی، بسیج انقلابی شکل گرفت و جامعه جوشید و تغییر وضع تاریخی را طلبید.

۴. به میدان آوردن آن جامعه فسرده و واداده و خورده به تجدّد و اسیر دست حاکمیت استبدادی و سکولار، کاری به غایت دشوار و دیرباب بود که امام خمینی آن را برعهده گرفت. بدون حضور و حماسه امام، جامعه همچنان در خواب به‌سرمی‌برد و بر مدار زوال و نیستی و انفعال ادامه می‌داد تا آخرین داشته‌های هویتی و اصالت‌های اسلامی‌اش را ببازد و به یکی از اقمار استعماری عالم تجدّد تبدیل شود. تنهاوتنها، شخص امام خمینی بود که در لحظه آغازین، خودآگاهی انتقادی پدید آورد و نشان داد که وضع کنونی، مرضی و انحطاطی است و باید کاری کرد. جامعه نسبت به آنچه که می‌گذشت، بی‌حس شده بود و تحرک و تکاپویی نداشت. همه آن حرارت و هیجان و اراده انقلابی، برآمده از تصرفات معنوی ایشان در باطن جامعه ایران بود. این جامعه بدون امام خمینی، به سطرهای آخر حیات مستقل و معنوی خویش نزدیک شده بود.

عرفه، روز عرفان و عاشقی

و علیه السلام از بسیاری از انبیاء بالاتر بوده: پیغمبری که از طفولیت پیغمبر بوده و زمانی که تازه متولد شده، می گوید: «إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ أَنَانِي الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا»، خدا به این پیغمبرش که او را «روح» نامیده، می گوید: «یا عیسی! هب لی من عینک الدموع»؛ برای من هدیه بفرست! خدای من، هدیه تو چیست؟ اشک های چشمت را بیاوریم بفرست: «و من قلبک الخشوع»؛ دل شکسته ات را برای من بیاور. در جای دیگری هم می فرماید: «تبصّبص الیّ تبصّبص الکلب» مثل سگی که می آید جلوی ارباب و پوزه اش را به خاک می مالد، این حالتی است که خدا از مثل حضرت عیسی توقع دارد. ما که چنین توفیقاتی پیدا نمی کنیم: اما بگوییم: خدایا! یک روز عرفه به من این توفیق را بده که ما هم ادای دعاکن ها را در بیاوریم: ما را مثل دلقک فرعون ببخش؛ آخر ما هم لباس دوست تو را می پوشیم: ما هم دم از امام حسین می زنیم.

حالا که زمینه چنین لیاقتی برای انسان فراهم می‌شود، از همان مضامینی که در دعای عرفه به ما یاد داده‌اند، باید یاد بگیریم. باید سر تا پای وجودمان توجه به خدا باشد، و هم به نعمت‌های خدا، شکر نعمت‌های خدا؛ به هر چه نگاه می‌کنیم، همان جا هم که نعمت خداست؛ اگر نگاه کنیم و شکرش را به جا بیاوریم، یک «الحمد لله» بگوییم، خدا هم می‌بخشد؛ «الحمد لله» خدا چشم بینا داد، گوش شنوا داد، اگر حقایق را نمی‌بینیم و نمی‌شنویم، همین قدر که محسوسات را می‌بینیم، خودش نعمت بزرگی است؛ توفیق تحصیل علم به ما داد، توفیق تحصیل در حوزه علمیه در حضور اساتید، بزرگان، علما، توفیق شناخت دوستان خدا؛ این یکی از نعمت‌های بسیار بزرگ است؛ «الحمد لله الذی اکرمنى بمعرفتکم و معرفه اولیائکم»؛ شناختن خدا یک نعمت است، شناختن ائمه اطهار سلام الله علیهم اجمعین - یک نعمت است، شناختن دوستان اهل بیت هم یک نعمت است. در زیارت عاشورا این به عنوان یک کرامت الهی تلقی شده و شکر این نعمت را باید به جا آورد. اگر آدم دوستان اهل بیت را نمی‌شناخت، خود اهل بیت را به چه وسیله‌ای می‌شناخت؟ چگونه به یاد آنها می‌افتاد؟

آن حضرت در چنین روزی، در بیابان عرفه، بالای یک صخره، در حالی که مثل دو چشمه، اشک از چشمانش می ریخت، چه می گفت؟ یکایک نعمت های خدا را شمرد: خدایا! تویی که به من چشم بینا دادی؛ این گوش را دادی؛ اجزایش را هم شمرد: لاله گوش، پیچ و خم های گوش، عصب شنوایی گوش، پلک چشم، مژه های چشم، اندام های چشم، اندام های قلب، سینه؛ یکایک همه اینها را شمرد. خدایا! تو این نعمت ها را به من دادی؛ آن قدر شمرد که ما از بیان همان هایی که او شمرد، عاجزیم. بعد فرمود: اگر من بخواهم تمام عمرم و تمام عمر کسانی که در این عالم زندگی کرده اند، همه این مدت عمر من باشد و بخواهم شکر یکی از این نعمت ها را به جا بیاورم، توانش را ندارم؛ چه رسد به همه نعمت هایی که از شماره بیرون است. بعد از آن نعمت های بیرونی را شمرد: مادر مهربانی به من دادی، از روزی که من متولد می شوم غذای من را در سینه مادر مهیا کردی که زمانی من متولد می شوم، بی غذا نمانم، دل مادرم را به من مهربان کردی، اگر مهربانی مادر نبود، من را پرستاری نمی کرد، و از بین می رفتم؛ این کارها را تو کردی. به من عقل دادی، شعور دادی، ایمان دادی، معرفت دادی، استادهایی فرستادی که به من درس بیاموزند، وسایلی برای من فراهم کردی که راه حق را بشناسم، توفیق به من دادی که تو را اطاعت کنم و انجام وظیفه کنم؛ اما من همه را ناسپاسی کردم! در قبالش من چه کردم؟ حضور تو را نادیده گرفتم، فراموش کردم، دستورات تو را مخالفت کردم، حق بندگان تو را به جا نیاوردم، حق پدر و مادری که این قدر به من مهربانی کردند، به جا نیاوردم، سایر حقوقی که برای بندگان قرار دادی، ادا نکردم؛ هر چه بود، از تو خوبی بود، و از من بدی!

لذا، جا دارد اول از خدا بخواهیم که خدایا! حرف مرا بشنو؛ «إسمع دعایی، اذا دعوتک». حرفی که می‌خواهم به خدا بزنم، این است که من هیچ دلیلی برای کارهای بدم ندارم، هیچ عذری نیست؛ هر چند در طول عمر من هیچ وقت نعمت‌هایت را از من دریغ نداشتی، هیچ چیز کم نگذاشتی. این امر باعث شده که حالا هم از تو بخواهم منت دیگری بر من بگذاری، و حرفم را یک بار دیگر بشنوی؛ به من توفیق بده به در خانه‌ات بیایم و صورتم را روی خاک بگذارم. می‌دانم که این توفیق را هم به همه نمی‌دهی؛ این توفیقاتی است که به دوستان خاصت می‌دهی؛ یک بار هم این توفیق را به من بده.

اهل معرفت می‌گویند پایه‌ی معرفت حضرت عیسی علی نبینا و آله

علامہ محمد تقی مصباح یزدی

در جمع اعضای بسیج طلاب مدرسه علمیه معصومیه؛ مشهد مقدس

شنبه ۹ دی ۱۳۸۵

مائدة غدیره

امام رضا (علیه السلام): هر کس (در غدیر) مؤمنی را اطعام کند، همچون کسی است که همه پیامبران و صدیقان را اطعام کرده است. الاقبال: ج ۲ ص ۲۶۰

امسال سومین سال طرح خانه به خانه مائدهی غدیره...

روز عید غدیر همه باید مهمون سفرهی
امیرالمومنین علی علیه السلام باشند.

محب امیرالمومنین!
شما هم می‌تونید تو این طرح شرکت کنید و هر مبلغی که درتوانسته
برای برقراری این طرح پرداخت کنید.



۶۵۹۶-۸۴۰۵-۱۲۱۱-۶۲۷۴
زهرا بادی

فیش واریزت رو هتما برای شماره
۰۹۱۲۶۸۹۵۵۲۱ بفرست.

www.osveh.org

۰۲۱۵۵۴۸۲۰۲۵-۰۲۱۵۵۳۹۰۱۲۰



واحد پژوهش مؤسسه فردینک، قرآن و عترت اسوه تدریس

سرمدبیر: سرکار خانم زهرا بادی

دبیر: تحریریه: فخری مرجانی

مدیر: دینری: سعیده نیکبخت

بجای در شماره: ذکر صلوات نثار ارواح علییه شد خدا و امام خدایه (ره)

راه‌های ارتباطی با مؤسسه فردینک، قرآن و عترت اسوه تدریس

پایگاه اینترنتی: www.osveh-tehran.ir

فروشگاه اینترنتی: www.osvehmarket.ir

کانال تلگرام: [osveh_org](https://t.me/osveh_org)

آدرس اینستاگرام مؤسسه اسوه: [osveh_org](https://www.instagram.com/osveh_org)

مرکز آموزش الکترونیک اسوه: www.nokavedu.ir

مرکز مشاوره اسوه: www.osvehgap.ir

یادداشت‌های نشریه در تحریریه اسوه آماده‌سازی و تدوین می‌شود

نشانی: تدریس - خیابان کارگر جنوبی - پایین‌تر از چهار راه لشکر - مقابل پمپ بنزین - کوچه شهید علی غیاثوند قیصری - بن بست آریا - پلاک ۶

شماره تماس: ۰۲۱-۵۵۴۸۲۰۲۵